

# امین این شاید تاریخ و نوکر امپریالیسم جهان خوار

## قصد تباهی میهن و نابودی هم میهنان ما را داشت

مردم ما در طول تاریخ پر افتخار گذشته خود همیشه با اشغال گری ها، سفاکی ها و بیداد گری ها با این روحیه و اعتقاد پیش آمد کرده اند که در مبارزه برای آزادی و آزادگی سرانجام پیروز می شوند و بنیاد باره های شیطانی را فرو میریزند. چنانکه بار ها دیده شده است قوت همین احساس و اعتقاد آنها را از خلال همه درگیری های تاریخی در برابر ظلم و بی عدالتی بیداد و ددمنشی تجاوز و اشغال گری پیروز بدر آورده است. در تاریخ معاصر وطن محبوب ما بهترین مثال آن سرنگونی امین خون آشام و ریختن خاک سیاه بر چهره کثیف او و شرکای آدمکش او بود که ما چند روز پیش شاهد آن بودیم.

امین شاید به نام آزادی بر ضد آزادی، بنام انسان دوستی بر ضد انسان، بنام وطن و ملت، بر ضد وطن و مردم دست اندر کار بود و در این توطئه و دسیسه ضد ملی، ضد مردمی و ضد انقلابی، امپریالیسم جهان خوار او را بیدریغ یاری میکرد.

امین جلاد از نگاه زمانی در خلال یک مدت خیلی کوتاه زخمهای التیام ناپذیری بر پیکر کشور ما وارد آورد، این قصاب آدمکش چون کرگس لاشخور چنان بال های خوف و ترس بربادی و تباهی خود را بر فراز آسمان میهن ما گسترده و سفاکی های را انجام داد که برای همیشه چون لکه ننگین بر جبین او باقی خواهد ماند و در صفحات تاریخ کشور ما ثبت خواهد شد.

امین شاید دشمن آزادی و آزادگان بود، هر جا احساس آزادی خواهی، احترام به کرامت انسانی و حرمت به آرمان والای انسانی را میدید، بیرحمانه سرکوب میکرد. او از آزادی حرف میزد، اما احساس آزادی خواهی را سرکوب میکرد، او از آبادی میهن سخن میراند، اما وطن را بی رحمانه ویران می کرد، او از ترقی و تعالی حرف میزد، اما روزی نبود سنگ بزرگی را در این راه نمی انداخت، او از برابری و برادری حرف میزد، اما هر روز با جاسوسان و گماشتگان خود بین مردم ما نفاق می انداخت، او از افتخارات و ارزیابی ملی و کارنامه های اجداد ما حرف میزد اما به شدت این ارزش ها و کارنامه ها را پایمال میکرد، او از خلق حرف میزد، اما خلق را می فریفت و اجازه نمیداد نیروی خلق وطن پرست در

## تهیه، ترتیب و بازنویسی کامپیوتری از ع . ق . فضل

راه عمران کشور بسیج شود، او از انقلاب دم میزد، اما کلمه انقلاب را روپوشی بر خواسته های حیوانی و شیطانی خود ساخته بود، او از استقلال و حاکمیت ملی حرف میزد، اما استقلال میهن محبوب ما را با امپریالیسم حيله گر و جهان خوار در معامله گذاشته بود.

امین یا این شاید تاریخ معاصر و جلاد آدمکش آن چه را هرگز نداشت خصوصیت انسانی، انقلابی و وطن پرستانه بود. امین جلاد یک معامله گر و نوکر حلقه به گوش امپریالیسم جهان خوار بود.

امین جلاد جنون آدم کشی ویرانی و تباهی داشت، از ظلم و قساوت این قصاب قرن خانه ها، قریه ها و قصبات و شهر ها تهی گشت.

این شاید تاریخ مدهش ترین سلاح و آزموده ترین آدم کشان قرن را برای این قصد شوم خود در خدمت گرفته بود و شبکه جاسوسی خراب کاری و آدم کشی او تا آن حد وسیع و گسترده بود که هیچ وطن پرستی خود را در هیچ جایی مصون نمی یافت. باند آدم کشان امین در منزل و دفتر، در شهر و ده، در راه و سرک و در شب و روز، در خواب و بیداری به دنبال وطن پرستان و رزمنده گان بود و هیچ یک از وطن پرستان حیات خود را در برابر این شبکه سیاه آدم کشی و لاش خوار در امان نمی یافت.

سلسله آدم کشی های قصابان و لاشخواران وابسته به باند امین در خلال یک زمان کوتاه، در شهر و ده میهن ما و در کوه و دره میهن ما چنان وسیع بود که تاریخ کشور ما هرگز بیاد ندارد. اکنون دره های ما دریاها، کوههای ما آسمان شفاف ما و سرانجام و جب و جب خاک مقدس ما شاهد آدم کشی ها، ویرانی ها، تباهی ها و ظلم های بی پایان امین فاشیست و شرکای خائن آن این آدم کشان قرن بیست می باشد.

امین جلاد بیاری قصابان گوش به فرمان خود عطش کشتن داشت، عطش شکنجه و عذاب و سرانجام عطش کشتار عمومی هم میهنان وطنپرست و با اعتقاد را بسر می پروراند این شاید بزرگ میخواست در میهن عزیز ما روزی را بیاورد که نفسی خلاف خواست او کشیده نشود و حرفی خلاف خواست او زده نشود و به زعم خود قلمرو نمونه بی مطیع و منقاد به میان آورد که خود فرمانروای یکه تاز چنین قلمرو باشد. در طرح و تطبیق این پلان از هر گونه همکاری امپریالیسم جهان خوار برخوردار بود و امپریالیسم در برآورده شدن این نیت شوم بیدریغ او را یاری میکرد.

در دوره کوتاه، یکه تازی امین این درنده وحشی، میهن ما به یک کشتارگاه عمومی و به یک زندان عمومی مبدل شده بود. این وحشی آدمخوار که چشمش را خون گرفته بود، بر اشک زنان و یتیمان ما، بر خون

های جاری وطن پرستان ما و بر چهره های زار و زعفرانی هزاران هزار نفر آن و آورده گان ما کوچکترین رحم و التفاتی نمیکرد. این کرگس لاش خوار با چنگال های درنده و خون آلود خود از آسمان و زمین بر وطن پرستان ما چون کابوس مرگ فرود می آمد و تا میتوانست آدم می کشت و خون می ریخت. و از این حمله بیرحمانه او آنچه بجا میماند زنده به گور میکرد.

از دست امین جلاد و قصابان گوش به فرمان او هزاران هزار مرد و زن وطن ما، پیر و جوان ما، کودک و صغیر ما با دلها و سینه های پر آرزوی خود غرقه در خون شدند. هیچ قلبی نیست که در میهن ما از جفای امین منفور داغدار نباشد و هیچ سینه نیست که داغ بیرحمی و آدم کشی او را نداشته باشد.

از دست امین جلاد و باند آدمکش و وطن فروش او هزاران هزار نو عروس ما بی شوهر شدند، هزاران هزار زن در میهن ما بیوه شدند، هزاران هزار کودک ما یتیم شدند، هزاران هزار خانه و کاشانه ما داغدار و داغدیده شدند و هزاران هزار هم وطن ما بی خانه و آواره شدند اما ملت ما، ملت داغدیده و ماتم زده ما این همه قربانی ها، این همه اشک ریزی ها، این همه شکنجه ها و در زنجیر کشیده شدن ها را با شکیبایی تمام تحمل کرد. آنهم با این اعتقاد که سرانجام ادامه مبارزه ما این طلسم شیطانی را میشکند و ریختن خون ناپاک امین و قصابان بیرحم او تسلی ای برای زخمهای التیام ناپذیر آنها میشود که خوشبختانه چنین هم شد.

اکنون مردم افغانستان با اعتقاد به آزادی و کرامت انسانی، اعتقاد به ارزش های ملی و انقلابی خویش راه خود را به پیش باز می کنند و ایمان دارند که سرانجام بر دسیسه سازی ها پیروز میشوند، امپریالیسم در برابر اراده و مبارزه بر حق توده های عظیم زحمتکشان به زانو می افتد و در تحت پرچم آزادی و آزاده گی می توانند به زنده گی سر و سامان دهند و آزاد و آرام به پیش روند.

**به پیش به سوی افغانستان آزاد و سربلند!**

**به پیش بسوی محو کامل رنجهای بیکرانی که بر مردم ما تحمیل شده است!**

**اتحاد ما کلید گشایش همه مشکلات در برابر میهن ماست.**

روزنامه انیس، نمبر مسلسل ۱۴۹۵۴، شماره ۲۳۶، شنبه ۶ دلو ۱۳۵۸

تهیه، ترتیب و بازنویسی کامپیوتری از ع . ق . فضل

۲۴ می ۲۰۱۸